



پایان یک دوره و آغاز دوره‌ای نوین در ایران!

سخنرانی بهرام رحمانی در اتحادیه اروپا - بروکسل - 11 ژانویه 2018

حضار محترم من هم به نوبه خودم به همه شما خوش آمد می‌گویم.

هنگامی که ما این کنفرانس را سازمان‌دهی می‌گویم هرگز تصور نمی‌کردیم که برگزاری آن هم‌زمان با خیزش انقلابی مردم ایران شود. اکنون حدود دو هفته از این اعتراضات عمومی مردم ایران می‌گذرد. مردم آزاده ایران، به‌ویژه جوانان دختر و پسر با دست خالی، اما با جسارتی فوق‌العاده و تحسین‌برانگیزی در مقابل نیروهای رنگارنگ امنیتی، نظامی، لباس شخصی، حزب‌اللهی، ضدشورش، سپاه و بسیج تا دندان مسلح و خشن ایستاده‌اند و شعارهای رادیکال و طبقاتی خود هم‌چون «جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد؛ نان، مسکن، آزادی» و... را با تمام قدرت فریاد می‌زنند.

تاکنون یکی از معترضان که در اعتراض‌های پس از 7 دی ماه بازداشت شده، به نام سینا قنبری 22 ساله، شب شانزدهم دی ماه جان خود را «به دلایل نامعلوم» در قرنطینه زندان اوین از دست داده است. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی در تماس با دو تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ادعا کرده‌اند که او خودکشی کرده است. از سرنوشت یک معترض بازداشت شده دیگر خبری نیست. مسنولان زندان اوین به خانواده اشکان آیسواران 20 ساله، گفته‌اند که او مفقود است. در حالی که اشکان آیسواران روز 14 دی خیر بازداشت خود را با تلفن به خانواده‌اش داده بود.

شمار کشته‌شدگان اعتراض‌های اخیر در ایران، بر اساس اعلام نهادها و مسنولان رسمی حکومت اسلامی، دست‌کم به 27 تن رسیده است. بیش از 100 دانشجو در بازداشت به سر می‌برند؛ تعدادی از نویسندگان و شعرا نیز در شهرهای مختلف ایران دستگیر شده‌اند.

محمود صادقی، نماینده مجلس درباره آخرین آمار بازداشت شدگان گفته است: «آمار کل بازداشتی‌های اخیر حدود 3 هزار و 700 نفر در سراسر کشور است و با توجه به این‌که بازداشت این افراد توسط نهادهای مختلف انتظامی و امنیتی بوده است نمی‌توان آمار دقیق را اعلام کرد.»

رشد و گسترش حرکت‌ها و خیزش‌های اعتراضی جاری طی دو هفته اخیر در اکثر شهرهای ایران، ناظران و حتی کنشگران داخلی و بین‌المللی را حیرت‌زده کرده است. سران و مقامات حکومت اسلامی، در کاخ‌هایشان می‌لرزند و معترضین را تهدید می‌کنند. تاکنون برخی گمان‌ها در مورد زمینه‌ها و عوامل بروز این ناآرامی‌ها مطرح شده است. اما سرآغاز این خیزش عظیم مردمی، اعتراض به گرانی و تورم و بیکاری بوده است.



همه می‌دانید که اقتصاد زیربناست و در کلیه تحولات جامعه و زیست و زندگی شهروندان تاثیر مستقیم دارد. در این مورد به چند آمار رسمی که از زبان مقامات و نهادهای حکومتی بیان شده‌اند اشاره می‌کنم تا به عمق فساد

ادامه در ص 3



گل

به آسمان بامدادی
که همه ستاره‌هایش را گم کرده
فریاد می‌زند:
شب‌نم را گم کرده‌ام

ای ماه تمام امشب

در میان برگ‌های نخل جشنی هست،
و در دریا برآمدن امواج،
مثل ضربان قلب جهان

تو از کدام آسمان ناشناخته
راز دردآلود عشق را
در خاموشی‌ات می‌بری؟

شب خاموش
زیبایی مادر را دارد و
روز پریهایوی
کودک را

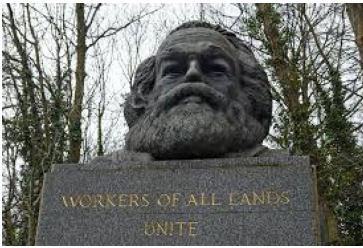
ابره‌های تیره
گل‌های آسمان می‌شوند
موقعی که نور
آن‌ها را ببوسد

رابیندرانات تاگور
ترجمه: ع. پاشایی

بر قرار باد خودمدیریتی دموکراتیک و شورایی در ایران!

کارل مارکس و بهره‌برداری از طبیعت

نویسنده: John Bellamy Foster
برگردان: باقر جهانبانی



در سال‌های اخیر، نفوذ مسائل زیست محیطی، از جمله از طریق بازخوانی برخی متفکرین از زاویه زیست محیطی، از افلاطون تا مهندس کارمندان گاندی، گسترش یافته است. ولی بی‌شک کارل مارکس، بیش‌ترین بحث و گفتگو و نوشته در این مورد را به‌خود اختصاص داده است. بدین سان، آنتونی گیدنس می‌گوید اگر چه مارکس در اولین نوشته‌هایش حساسیت

خاص و گسترده محیط زیستی را ابراز داشته ولی پس از آن «نگرشی پرموده گرایانه (باورمند به انسان و عقل او) نسبت به طبیعت را دنبال می‌کند.» (1) به همین شیوه، مایکل ردکلیفت بیان می‌کند که برای مارکس، عملکرد محیط زیست آن‌ست که «همه چیز را ممکن سازد، ولی هرگونه ارزشی از نیروی کار به وجود می‌آید.» (2) و در پایان به‌گفته الک نوو، مارکس معتقد است که «مسئله تولید توسط سرمایه‌داری حل» شده و جامعه آینده تولیدکنندگان اشتراکی نیازی ندارد که مسئله استفاده از منابع کمیاب را جدی بگیرند. «یعنی برای سوسیالیسم هیچ نیازی به داشتن «وجدان زیست محیطی» نیست.» (3) آیا این انتقادهای موجه است؟

در طول سال‌های 1830 تا 1870، کاهش بارآوی زمین به‌دلیل از دست دادن مواد مغذی خاک، نگرانی عمده زیست محیطی جامعه سرمایه‌داری، چه در اروپا و چه در آمریکای شمالی بود. نگرانی‌ها در این مورد قابل مقایسه با مشکلات کنونی ناشی از افزایش آلودگی هوای شهرها، جنگل‌زدانی گسترده قاره‌ها و نگرانی از افزایش جمعیت بیش از حد نیست. در سال‌های 1820 تا 1830، در انگلستان و کمی بعد در دیگر اقتصادهای سرمایه‌داری در حال توسعه اروپا و آمریکا شمالی، نگرانی عمومی در مورد تحلیل رفتن خاک منجر به افزایش فوق‌العاده تقاضای کود گردید. اولین کشتی حامل گوانو (کود تولیدی از مدفوع مرغان دریانی) از کشور پرو در سال 1835 در لیورپول پهلو گرفت، در سال 1841 واردات گوانو به 17 هزار تن رسید و در سال 1847 این رقم به 220 هزار تن افزایش یافت. در طول این مدت کشاورزان در میدان‌های جنگ‌های ناپلونی چون واترلو و استرلیتز با ناامیدی به‌دنبال استخوان، به‌عنوان کود برای مزارعشان بودند. زوستین ون لیبیگ شیمی‌دان آلمانی اشاره می‌کند که در آمریکا، بین مرکز تولید حبوبات و بازار مصرف آن، می‌تواند صدها کیلومتر و حتی هزاران کیلومتر فاصله وجود داشته باشد. عوامل تشکیل‌دهنده کود طبیعی به نواحی دورتر از محل تولیدشان فرستاده می‌شود و از این‌رو بارور کردن زمین را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

متعفن کردن رودخانه تایمز

مارکس در سال‌های 1850 و اوایل سال‌های 1860، تحت تاثیر آثار لیبیگ، نظریات محیط زیستی در مورد زمین و نقد سیستماتیک «بهره‌برداری» سرمایه‌داری، به معنی دست‌برد به مواد مغذی آن و عدم توانایی احیای این مواد را گسترش می‌دهد. مارکس در دو تحلیل اصلی کشاورزی سرمایه‌داری نتیجه‌گیری می‌کند که چگونه صنعت و کشاورزی در مقیاسی وسیع، زمین و کشاورزان را به فقر کشاندند. مهم‌ترین این انتقادات در پایان بخش «پیدایش اجاره زمین» در کتاب سوم کاپیتال خلاصه شده است: «زمین‌داران بزرگ تعداد کشاورزان را به حد اقل کاهش می‌دهند، رقمی مدام در حال کاهش در برابر جمعیت انباشته در شهرهای بزرگ که بی‌وقفه افزایش می‌یابد، بنابراین شرایطی ایجاد می‌کند که باعث وقفه غیرقابل جبران در تعادل متابولیسم اجتماعی می‌شود که از قوانین طبیعی زندگی تشکیل شده است؛ به این‌ها اضافه می‌شود اتلاف نیروهای خاک که توسط تجار به کشورهای دیگر صادر می‌شود (...). صنایع بزرگ و کشاورزی بزرگی که به‌طور صنعتی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد در یک مسیر حرکت می‌کنند. اگرچه در اصل متمایزند، چون اولی نیروی کار و بنابراین نیروی طبیعی انسان را از بین می‌برد، و دیگری مستقیماً نیروی طبیعی زمین را تباه می‌کند اما در نهایت، دست در دست هم عمل می‌کنند: سیستم صنعتی در روستا باعث تضعیف کارگران می‌شود و صنعت و تجارت از سوی دیگر، برای کشاورزی امکان بهره‌برداری از زمین را امکان‌پذیر می‌نمایند.»

کلید تمامی نظریات مارکس در این زمینه، مفهوم متابولیسم (Stoffwechsel) اجتماعی-اکولوژیکی (محیط زیستی) است که ریشه در درک او از روند کار دارد. در تعریف عمومی، او از روند کار (در مقابل تظاهرات ویژه تاریخی کاری‌اش) مارکس از مفهوم متابولیسم برای توصیف رابطه انسان با طبیعت از طریق کار استفاده می‌کند: «اول این‌که کار فرایندی است بین انسان و طبیعت، روندی که در آن انسان متابولیسم خویش را با طبیعت از طریق فعالیت خود تنظیم و کنترل می‌کند. انسان در مقابل محصولات طبیعی، «خود» را چون نیروی طبیعی به‌کار می‌گیرد. او نیروهای طبیعی و جسمی‌اش را، بازوها، پاها، دست‌ها و تفکر خویش را به‌کار می‌گیرد. ولی با عمل بر روی طبیعت خارجی و با تغییر آن، طبیعت خویش را نیز تغییر می‌دهد (...). روند کار (...). همان شرط طبیعی ابدی زندگی انسان‌هاست.» (4)

برای مارکس چون لیبیگ، عدم توانایی به باز گرداندن مواد مغذی به خاک، هم‌سنگ آلودگی شهرها و غیرمنطقی بودن سیستم فاضلاب مدرن است. در کتاب کاپیتال این جمله را می‌آورد: «برای مثال در لندن برای زیاده‌های خانگی هیچ چیز بهتر از کثیف کردن رودخانه تایمز پیدا نکرده‌اند.

ادامه در ص 6

کمون

نشریه «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»؛ هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود.

سرمدبیر: بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

همکاران نشریه: غزال علیایی، سارا محمدی، اهون چیاکو، جلال سیزواری، وحید محمدی، امین قضائی، شاهین محمدی، مراد عظیمی و بیژن رنجبر.

هماهنگ‌کنندگان «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

* بهرام رحمانی

امیل آدرس:

bahram.rehmani@gmail.com

شماره تلفن: 0046-707474336

* اهون چیاکو

امیل آدرس:

ehwen.chiyako@gmail.com

شماره تلفن: 0046-737245857

امیل آدرس پلاتفرم:

pdjkh.i@gmail.com

از رئوس راهکارهای «پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران»:

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران همه جنبش‌های ملی دموکراتیک خلق‌های ایران، نیروهای چپ، سوسیالیست، کارگری، سکولار، آنارشویست، آزادی‌خواه و عدالت‌جو را در ایران، منطقه و در سطح جهانی به مبارزه فعال و متحد بر علیه جمهوری اسلامی دعوت می‌کند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، صریحاً اعلام می‌کند که کنفدرالیسم دموکراتیک، حقوق جهان‌شمول انسان را حقوق مسلم شهروندان می‌داند و با سرنگونی جمهوری اسلامی و تغییر حاکمیت کنونی ایران، همه این حقوق را به‌عنوان مبنای قوانین جامعه قرار خواهد داد.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکل‌های توده‌ای، کارگری و فعالین سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دعوت به همکاری و پیوستن به این پلاتفرم می‌کند.

پایان یک دوره و ...

سخنرانی بهرام رحمانی در اتحادیه اروپا -
بروکسل - 11 ژانویه 2018

اقتصادی و سیاسی نهادینه شده در حکومت اسلامی و تأثیرات مخرب آن بر زندگی اکثریت شهروندان جامعه ایران، پی ببرید.

در واقع اساسی‌ترین شاخص برای بررسی جامعه ایران، همچون سایر جوامع سرمایه‌داری، رابطه اقتصادی و تولیدی آن است. این بدین معنا نیست که سایر شاخص‌ها، همچون ساختار سیاسی، بافت فرهنگی و وجود گروه‌بندی‌های غیر طبقاتی فاقد اهمیت هستند، بلکه بدین معنا است که این شاخص‌ها خود تحت تأثیر مناسبات اقتصادی و تولیدی قرار دارند. البته یک ویژگی در ایران وجود دارد که تأثیرپذیری نسبتاً محدود ساختار سیاسی از ساختار اقتصادی و تولیدی جامعه است. واقعیت این است که روپنای سیاسی و حقوقی در جامعه ایران از روابط سرمایه‌داری و مناسبات تولیدی در این کشور عقب مانده‌تر است و بعضاً به مانع اساسی در برابر رشد بیش‌تر این مناسبات تبدیل شده است.

تحولات سال‌های گذشته در جامعه ایران، بیانگر این واقعیت است که تلاش‌های بورژوازی و دعوای درونی این طبقه بر سر رفع این تناقض است.

از همان اوایل به قدرت رسیدن حکومت اسلامی یک اقتصاد ناکارآمد، غیرتولیدی و مصرف‌گرایی و فساد زده و ضد انسانی شکل گرفت که برجسته‌ترین مشخصه اقتصاد ایران در 40 سال گذشته بوده است. در واقع این اقتصاد، تنها درآمد اصلی‌اش حاصل نفت است و به همین دلیل قلبش از تپش باز نمی‌ایستد.

اما بحران مزمن در اقتصاد ایران، عمیقاً نهادینه شده است، فساد و اختلاس گسترش یافته است، جنبه دلالی و مصرف‌گرایی برجسته شده و بیش‌تر از گذشته، آن را وابسته به درآمد نفت نموده است. در نتیجه سرمایه‌داران ایران و در راس همه حکومت اسلامی که بزرگ‌ترین سرمایه‌دار کشور محسوب می‌شود، بدون هیچ محدودیت قانونی به استثمار نیروی کار می‌پردازند به طوری که دستمزدهای ناچیز آن‌ها را نیز به موقع پرداخت نمی‌کنند. فقر و گرانی و بیکاری، سبب شده است که آسیب‌های اجتماعی به حدی وسیع‌تر و خاتمان‌براندازتر شود به طوری که کلیه‌فروشی، جنین‌فروشی، تن‌فروشی، قرینه چشم‌فروشی و غیره در جامعه ایران به یک مسئله عادی تبدیل شده است. میلیون‌ها کودک خانواده‌های فقیر، به جای تحصیل راهی بازار کار بی‌رحم سرمایه‌داری شده‌اند تا بلکه با دریافت مزدهای ناچیز، کمکی به خانواده‌های خود برسانند. میلیون‌ها جوان معاد و زمین‌گیر شده‌اند. کارتن‌خوابی، گورخوابی و حاشیه‌نشینی در همه شهرهای کشور به چشم می‌خورد. از سوی دیگر، نیروی کار معترض به این وضعیت نیز تحت تعقیب قرار می‌گیرد، از کار اخراج، زندانی و شکنجه می‌گردد و شلاق می‌خورد. تصور این‌که یک خانواده کارگری چگونه بتواند با درآمد ناچیزی که آن هم به موقع پرداخت نمی‌گردد زندگی کند در حالی که خود آمارهای دولتی می‌گویند با هزینه حداقل 4 میلیون تومان، نیازمندی‌های اولیه زندگی را، از نوع مسکن، پوشاک و خوراک، تأمین گردد دشوار است.

در حالی که حقوق 11 میلیون کارگر رسمی ایران 930 هزار تومان است و میلیون‌ها کارگر

غیررسمی نیز دستمزدهایشان خیلی پایین‌تر است چند ماه پیش نخست ناگهان فیش‌های حقوقی چندین میلیون تومانی مدیران حکومتی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد و سپس به ارگان‌های مختلف حکومتی نیز کشیده شد.

چندی پیش، در چند شبکه تلگرامی و وبسایت سیاسی فیش حقوقی تعدادی از مدیران رده بالای حکومتی منتشر شد و این مسئله، حتی به کشمکش روسای قوه قضاییه و مجریه نیز کشیده شد. در این کشمکش مطرح شد که به نام رییس قوه قضاییه 63 حساب بانکی وجود دارد. لاریجانی رییس قوه قضاییه گفته است این حساب‌ها با اجازه رهبر باز شده‌اند. فیش‌های حقوقی منتشرشده سه مدیر ارشد بیمه مرکزی در اسفند ماه 1394، نشان می‌دهد آن‌ها روی هم 180 میلیون تومان حقوق و مزایا گرفته‌اند.

صفر حسینی رییس صندوق توسعه ملی، یکی از صدها مدیرانی است که انتشار فیش حقوقی او سر و صداهای زیادی به پا کرد. چرا که اسناد نشان می‌داد که رییس این صندوق، حدود 87 میلیون حقوق دریافت کرده و 300 میلیون وام قرض‌الحسنه گرفته است.

چنانچه یک حساب سرانگشتی داشته باشیم با فرض این‌که میانگین حقوق کارمندان جزء دولت را یک میلیون و پانصد هزار تومان در ماه بگیریم، این کارمندان حدود 18 میلیون از دولت بابت زحمات شبانه‌روزی خود در طول یکسال حقوق دریافت می‌کنند. با یک تقسیم ساده مشخص می‌شود فیش حقوقی 87 میلیونی جناب مدیر، معادل حقوق 5 سال حقوق یک کارمند جزء دولت خواهد بود.

نکته جالب توجه آن‌که قاچاق کالا در ایران، بسیار معروف‌تر و پرسودتر از واردات و صادرات رسمی آن و تولید است. همین نکته است که موجب شده میزان قاچاق کالا به کشور به شدت افزایش یابد و با استانداردهای جهانی فاصله زیادی وجود داشته باشد. حجم قاچاق کالا در حال حاضر حدود 50 درصد از واردات است و این در حالی‌ست که میانگین این حجم در دنیا حدود 5/2 درصد است. برآورد سالانه 25 تا 30 میلیارد

دلار قاچاق کالا در ایران است. براساس گزارشات ارائه شده از سوی معاونت امور اقتصادی و بازرگانی وزارت صنعت حکومت اسلامی، «لوازم آرایشی و بهداشتی»، «لباس و کفش»، «سیگار»، «لوازم خانگی»، «پارچه»، «تلفن همراه» و «تجهیزات پزشکی»، در ابتدای فهرست اقلام قاچاق در سطح استان‌ها قرار دارند.

در گزارشات دیگری، به خصوص در گزارشات نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل، عوامل حکومت اسلامی در قاچاق سلاح و مواد مخدر نیز بسیار فعال هستند.

دولت روحانی، لایحه‌ای را برای اصلاح قانون مالیات به مجلس فرستاده اما در این لایحه خبری از لغو معافیت مالیاتی نهادهای زیر نظر رهبری حکومت اسلامی نیست. این نهاد نه تنها از پرداخت مالیات معاف هستند، بلکه هر سال ارقام بزرگی از بودجه کشور به آن‌ها اختصاص داده می‌شود.

در حالی که آموزش و پرورش و بهداشت درمان و غیره همواره با کسر بودجه روبه‌رو هستند.

برای مثال بر اساس بودجه پیشنهادی دولت برای سال 1397؛ قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء 10 هزار میلیارد تومان اعتبار دریافت می‌کند. قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء که بزرگ‌ترین پیمان‌کار به اصطلاح «غیردولتی» نامیده می‌شود و وابسته به سپاه پاسداران است، مالیات نمی‌پردازد.

قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء وابسته تا پیش از سال 1390، طبق یک اصل سپاه اجازه انجام دادن پروژه‌های کمتر از یکصد میلیارد تومان را نداشت، اما پس از آن تاریخ، سپاه پروژه‌های کوچک را نیز از آن خود کرد. در حال حاضر بیش‌تر از 5000 شرکت بزرگ و کوچک برای قرارگاه خاتم‌الانبیاء کار می‌کنند. به گفته مسنول قرارگاه خاتم‌الانبیاء، 135 هزار نفر در آن مشغول به کارند که از این تعداد 2500 نفر از فرماندهان سپاه بوده و مابقی به صورت پاسدار وظیفه مشغول به کار هستند. جدا از این تعداد، 5000 هزار نفر دیگر به صورت قراردادی برای این قرارگاه کار می‌کنند. تعدادی از شرکت‌ها و مراکز وابسته به سپاه پاسداران که سپاه در آن‌جا نیز سهام‌دار هستند عبارتند از: پالایشگاه اصفهان، بانک پارسیان، صنایع پتروشیمی ایران، پتروشیمی پارس، معدن آهن انگوران، بانک‌های صادرات، ملت، تجارت، صنایع دریایی صدر، کارخانه تراکتورسازی تیریز و... موارد مذکور بخشی بسیار کوچک از سرمایه‌های سپاه پاسداران ایران است، در واقع سپاه پاسداران سایه اقتصادی و نظامی حکومت اسلامی ایران است و به همین دلیل سپاه پاسداران هرچه بخواهد می‌تواند به آسانی و بدون مانع بدست آورد.

سپاه قدس؛ واحد عملیات خارجی سپاه پاسداران که تعداد زیادی نیروی شبه‌نظامی در منطقه را آموزش داده و پول و تسلیحات در اختیار آن‌ها گذاشته است. فاطیون افغان، زینبیون پاکستانی، النجباء عراق و غیره، بخشی از این نیروهای شبه‌نظامی هستند که سپاه قدس در منطقه به وجود آورد و بخشی از آن‌ها در سوریه و در دفاع از حکومت بشار اسد در حال جنگ هستند.

در واقع سپاه به دلیل نفوذ در عمق نهادهای رهبری سیاسی و اقتصادی و نظامی در ایران و به

دست آوردن میلیارد‌ها دلار، از دیگر ارگان‌های حکومتی قدرتمندتر است. سپاه همچنین برنامه‌های تسلیحاتی موشکی، اتمی، شیمیایی و بیولوژیکی ایران را در اختیار خود دارد.

سپاه پاسداران؛ تنها سازمان تروریستی دنیاست که نیروی زمینی و دریایی دارد. بسیج بخش دیگری از نیروهای تابع سپاه پاسداران است. تعداد افراد فعال بسیج حدود 90 هزار نفر و تعداد افرادی که کارت بسیج دارند بین 300 هزار تا یک میلیون نفر عنوان شده‌اند.

به گفته معاون توسعه امور علمی و فرهنگی سازمان برنامه و بودجه کشور، 40 درصد از اقتصاد ایران معاف از پرداخت مالیات است. و از 60 درصد باقی‌مانده نیز 25 درصد فرار مالیاتی دارد و در نهایت فقط 35 درصد از اقتصاد کشور مالیات پرداخت می‌کنند. به عبارت دیگر، اغلب کسانی که مالیات می‌پردازند حقوق بگیر و یا بازنشسته هستند.



پایان یک دوره و ...

سخنرانی بهرام رحمانی در اتحادیه اروپا -
بروکسل - 11 ژانویه 2018

اخیرا روزنامه «القدس العربی» چاپ لندن در گزارشی مفصلی درباره ثروت فرزندان سیدعلی خامنه‌ای نوشت: «ثروت فرزندان خامنه‌ای میلیاردها دلار برآورد می‌شود که بیش‌تر آن در بانک‌های انگلیس و سوئیسه و ونزولا است.»

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، صاحب یک امپراتوری بازرگانی است و به گفته کارشناسان خبرگزاری «رویترز»، میزان این دارایی‌ها 95 میلیارد دلار است. این مبلغ حدود یک سوم بیش‌تر از درآمد سال گذشته (2017)، خزانه کشور ناشی از کل صادرات نفت خام می‌باشد.

سازمان شفافیت بین‌المللی سال 2016، نشان می‌دهد که ایران در زمینه فساد اداری شرایط نامطلوبی دارد و در میان 176 کشور جهان از نظر شفافیت، در جایگاه 131 قرار گرفته است.

ایران، یکی از کشورهایی است که در آن سطح اشتغال زنان در بازار کار، در پایین‌ترین رده‌ها قرار دارد. مشارکت زنان در بازار کار ایران، براساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، حدود 13 درصد و بر اساس برخی آمارهای غیر رسمی، 13 درصد است. در حالی‌که این رقم در برخی کشورهای منطقه بالاتر از ایران است.

آخرین گزارش مجمع جهانی اقتصاد از افزایش شکاف جنسیتی در ایران خبر می‌دهد. در سال 2017 میلادی، رتبه این شاخص در ایران یک ردیف نازل و کشور را به قعر جدول نزدیک‌تر ساخت. از مجموع 144 کشور جهان، ایران رتبه 140 را در شکاف جنسیتی به خود اختصاص داده است در حالی‌که در سال 2016 ایران، یک پله بالاتر یعنی ردیف 139 قرار داشت.

شاخص شکاف جنسیتی رتبه کشورها را در چهار حوزه مدیریت سیاسی، اقتصاد، آموزش و بهداشت می‌سنجد. در حال حاضر ایران بالاتر از کشورهای چاد، سوریه، پاکستان و یمن قرار گرفته و عربستان سعودی، مالدیا و لبنان نیز بالاتر از ایران جای گرفته‌اند.

در حکومت اسلامی ایران، همه زبان‌های مادری غیر از زبان فارسی ممنوع هستند و همه موظفند در مدارس و دانشگاه‌های فارسی بخوانند و در ادارات نیز تنها باید با زبان فارسی سخن گفته شود. بنابراین حکومت اسلامی ایران، یک حکومت نژادپرست است.

کارشناسان زیست محیطی در ایران می‌گویند که عدم سرمایه‌گذاری، ندانم کاری‌ها، بی‌برنامگی‌ها و بی‌توجهی از سوی حکومت اسلامی ایران، آسیب‌های بزرگ و خطر آفرینی به محیط زیست ایران وارد آورده است که نتیجه فاجعه بار آن‌ها در صورتی که چاره‌اندیشی‌های دقیق و سریع برای رفع و با کاهش مشکلات به‌وجود آمده انجام نپذیرد دست‌کم بخش‌های زیادی از جغرافیای ایران غیرقابل زندگی خواهد شد.

جنگل‌های ایران نیز وضعیت بهتری ندارند. به‌طوری‌که در هر ثانیه 360 متر مربع از سطح جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب می‌شود. به بیان دیگر در هر 5 سال یک میلیون هکتار از جنگل‌های ایران نابود می‌شود و یا سالانه یک و نیم درصد از جنگل‌های ایران از دست می‌رود.

وضعیت محیط زیست شهری در ایران نیز دست کمی از محیط زیست طبیعی ندارد. در کنار آلودگی مرگبار هوا و آلودگی صوتی به ویژه در شهرهای بزرگ، با آلودگی آب و آلودگی خاک در اکثر مناطق ایران رویه‌رو هستیم.

ایران را به میلیتاریسم در داخل و آموزش و تسلیح گروه‌های شیعی در منطقه خاورمیانه با هدف راه‌انداختن جنگ و خشونت اختصاص داده است. حکومت اسلامی ایران، در جنگ‌های منطقه که به جنگ‌های نیابتی معروف شده‌اند دخالت مستقیم و غیرمستقیم دارد. اگر کمک‌های حکومت اسلامی نبود بی‌تردید حکومت بشار اسد تاکنون سرنگون شده بود.

با این وجود حکومت اسلامی ایران، روابط بسیار حسنه‌ای با قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری غربی، به ویژه اتحادیه اروپا دارد. در حالی‌که در ایران، خشن‌ترین نوع شکاف طبقاتی، استثمار بی‌نظیر طبقه کارگر، فقر، بیکاری و بازتولید ساختار استبداد سیاسی در جریان است.

در حاکمیت 40 ساله حکومت اسلامی ایران، یعنی از سال 1357 تا سال 1396، ده‌ها هزار انسان در ایران اعدام شده‌اند.

اگر ما رقم نسبی آمار اعدام‌ها از اعدام سیاسیون، اقلیت‌های ملی و مذهبی گرفته تا معتادان را در نظر بگیریم به رقم هولناک بیش از 60 هزار نفر می‌رسیم. البته تعداد زیادی نیز مفقودالثر شده‌اند و کسی از سرنوشت آن‌ها خبر ندارد. برخی زندانیان نیز به دلایل مشکوکی در زندان جان باخته‌اند. همچنین تعداد بی‌شماری از فعالین سیاسی در داخل و خارج از ایران توسط ماموران امنیتی حکومت اسلامی ایران ترور شده‌اند.

حکومت اسلامی ایران، تنها حکومتی در جهان است که کودکان را نیز اعدام می‌کند. ایران پس از چین رده دوم اعدام در جهان را به خود اختصاص داده است.

در ایران آزادی بیان و قلم و اندیشه و اعصاب اکیدا ممنوع است. در ایران هیچ حزب و نهاد دموکراتیک اجازه فعالیت مستقل وجود ندارد و فعالین آن‌ها در زندان‌ها هستند. در ایران هیچ نشریه و رسانه مستقل و آزاد اجازه فعالیت ندارد. اما با این وجود فعالین کارگری، زنان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و نویسندگان تلاش می‌کنند تشکلهای مستقل خود را به وجود آورند.

نزدیک به چهل است که حکومت اسلامی حکومت ایران، سرکوب شدید بر تولیدات هنری، فرهنگی و ادبی نویسندگان و هنرمندان اعمال می‌کند. حتی کانون نویسندگان ایران، حق داشتن یک دفتر و یا حق برگزاری جلسه ندارند. تاکنون ده‌ها تن از اعضای این کانون توسط ماموران امنیتی حکومت اسلامی در داخل کشور ترور شده‌اند.

بنابراین خیزش اخیر مردم ایران، ریشه در همه بی‌حقوقی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی چهل سال اخیر دارد. خیزش گرسنگان و محرومان و استثمارشدگان بر علیه سرمایه‌داری و حکومت اسلامی حافظ سرمایه است.

در چنین شرایطی مردم آزاده ایران، نه تنها هیچ خواستی از دولت‌ها ندارند، بلکه آن‌ها را محکوم می‌کنند که چرا چشم خود را به قوانین جهان‌شمول انسانی خود بسته‌اند و صرفا به فکر منافع اقتصادی و حاکمیت خود هستند. اگر این دولت‌ها کمی صداقت داشته باشند موظفند طبق قوانین خود، به حکومت‌هایی چون حکومت اسلامی ایران سلاح، دستگاه‌های جاسوسی و شکنجه نفروشد؛ حکومت اسلامی را به دلیل جنایت علیه بشریت در بایکوت سیاسی قرار دهند و هر کدام از سران و مقامات آن‌ها به خارج آذند دستگیر و به دست دادگاه‌های بی‌طرف بین‌المللی بیاورند.

ظریف وزیر امور خارجه حکومت اسلامی ایران، که هم اکنون در اتحادیه اروپا است باید به دلیل جنایت علیه بشریت دستگیر شود و برای محاکمه به دادگاه لاهه سپرده شود. روشن است حکومت‌های متحد حکومت ایران مانند دولت روسیه، چین و ترکیه گرفته تا حکومت‌های مخالف و رقیب آن همچون عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا و غیره هر کدام از دیدگاه منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی خود با حکومت اسلامی دوستی و یا دشمنی می‌کنند؛ هیچ‌کدام از دولت‌های سرمایه‌داری جهان، کم‌ترین اهمیتی به مطالبات و مبارزات مردم نمی‌دهند. همه نگران منافع خود در ایران هستند. دست‌کم دولت‌های غربی هنگام مذاکره و چانه‌زنی در معاملات اقتصادی خود با حکومت اسلامی ایران می‌توانند در رابطه با حقوق بشر نیز سخن بگویند. به علاوه ما هشدار می‌دهیم که هرگونه دخالت فاجعه‌آفرینانه دولت‌های خارجی در ایران، ممکن است به فاجعه دیگری همچون فلیج‌های سوریه منجر گردد و به ضرر مردم ایران و منطقه تمام شود. ما خواهان بایکوت سیاسی حکومت اسلامی ایران هستیم اما مخالف تحریم اقتصادی ایران و هر کشور دیگری هستیم. چرا که تحریم اقتصادی به ضرر مردم است و ضرری به حاکمیت نمی‌رساند.

بی‌تردید سرنگونی حکومت اسلامی ایران اگر با قدرت و مبارزه مردم ممکن گردد، و یک جامعه خودمدیریت دموکراتیک به وجود آید، نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای مردم خاورمیانه نیز شادی، صلح، دوستی و همبستگی به ارمغان خواهد آورد و گرایشات سکولار، آزادی‌خواه و سوسیالیستی را تقویت خواهد کرد.

در جمع‌بندی سخنانم می‌خواهم به چه باید کرد؟ تاکید کنم. به عقیده من، هر نیرو و انسان آزادی‌خواه و برابری‌طلب و عدالت‌جو، فلسفه وجودی «دولت - ملت» را قاطعانه رد می‌کند و آلت‌رتاتیو انسانی، یعنی کنفدرالیسم دموکراتیک را در مقابل جامعه قرار می‌دهد. کنفدرالیسم دموکراتیک بدون توجه به ملیت، جنسیت، باورهای سیاسی و عقاید مذهبی متفاوت، همه توده‌ها را فرامی‌خواند که در تشکلهای دموکراتیک خود متحد و متشکل شوند و از نظر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دیپلماسی، دفاع عمومی و غیره مدیریت جامعه را مستقیما به عهده گیرند. شبیه مدلی که سال‌هاست در رورآو (آرگنستان سوریه) تجربه شده و نتایج و دستاوردهای زیادی هم به ارمغان آورده است. در چنین جامعه‌ای، هیچ نیازی به نیروی مافوق جامعه، یعنی دولت بوروکراسی آن وجود ندارد. در نتیجه رقابت سرمایه‌داری برای کسب سود و پست و مقام نیز جایز را به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز آگاهانه و داوطلبانه همه اقشار جامعه و مشارکت و بالندگی و پویایی می‌دهد.

بدیل کنونی ما برای فردای جامعه ایران، پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران است. همین جا از فرصت استفاده می‌کنم و از دوستان حاضر در سالن و یا آن‌هایی که از طریق شبکه‌های اجتماعی سخن ما را می‌شنوند دعوت کنم با این پلاتفرم همکاری کنند. ما از هرگونه انتقاد و پیشنهاد و همکاری صمیمانه استقبال می‌کنیم. بنابراین، سازمان‌دهی شورایی و دموکراسی مستقیم و مجامع عمومی و مجالس مردمی با افق و چشم‌انداز برپایی یک جامعه مدرن و دموکراتیک در جامعه ایران مفید و موثر و ضروری است. و به می‌تواند متحد کننده و بسیج کننده باشد و به هرگونه تفرقه و رقابت پایان دهد.

در چنین شرایطی، مردم پیکارگر و تحول‌خواه ایران، خواستار حمایت افکار عمومی مترقی جهان، نهادهای بین‌المللی مدافع حقوق بشر، تشکلهای دموکراتیک مردمی، کنفدراسیون‌های کارگری، سازمان و احزاب آزادی‌خواه، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه‌نگاران از جنبش آزادی‌خواهانه و برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه شان هستند.

بنابراین، آن‌چه که گفته شد بیانگر این واقعیت است که یک دوره در ایران به پایان رسیده و دوران جدیدی آغاز شده است. دوران افول و فروپاشی حکومت اسلامی ایران و دوران شکوفایی جنبش‌ها و خلق‌های تحت ستم و محروم جامعه ایران! بنابراین، همه شواهد نشان می‌دهد جنبشی که هم اکنون در ایران در جریان است و در صف مقدم آن نیز جوانان دختر و پسر پراورزی و پرشور و تشنه آزادی قرار دارند عزم و اراده کرده‌اند تا رسیدن به اهداف خود، همچنان به مبارزه بر حق و عدلانه و آزادی‌خواهانه خود ادامه دهند!

هر چند مسیری سخت در پیش جامعه ماست اما می‌توانیم چشم‌اندازها را با کوشش و تلاش و مبارزه پیگیرمان امیدوارانه ترسیم کنیم. اکنون شهروندان جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری از تاریخ خود، به همبستگی طبقاتی و اجتماعی با یکدیگر و هم‌گرایی برمیانی معیارهای عادلانه، آزاد، برابر و دموکراتیک و همچنین حمایت و پشتیبانی هم‌فکران جهانی خود نیاز دارند.

ممنونم که حوصله کردید و به سخنان من گوش دادید.



1 درصد تامین و 99 درصد گرسنه!

اخیر موضوع حذف بیمه کارگران ساختمانی در دستور وزارت کار، سازمان تامین اجتماعی و دولت روحانی قرار گرفته است. بر اساس اخبار و گزارشات رسانه‌های حکومت اسلامی، اکنون بیمه نزدیک به 200 هزار کارگر ساختمانی لغو شده و 500 هزار کارگر دیگر در انتظار ورود به سیستم بیمه‌ای هستند. به عبارتی دیگر، 500 هزار کارگر ساختمانی هنوز بیمه نیستند. در حالی که کار در این عرصه بسیار سخت و خطرناک است و هر سال صدها تن کارگر ساختمانی بر سر کار و به دلیل کمبود ابزارهای امنیتی کار جان خود را از دست می‌دهند.

مسئولان حکومتی در توجیه این اقدامات ضدکارگری خود، مواضع ضد و نقیضی اتخاذ کرده‌اند. برای مثال، اکبر شوکت رییس کانون کارگران ساختمانی کشور گفته است: با دستور سیدنی نوریبخش مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی بیمه 200 هزار نفر که «کارگر ساختمانی» نبوده‌اند قطع شده است و به جای آن‌ها قرار است اسامی «کارگران ساختمانی واقعی» وارد لیست شود. او در ادامه ضمن تایید این اقدام تامین اجتماعی، ادعا کرده است: این اتفاق خوب بدون همکاری نزدیک انجمن‌های صنفی کارگران ساختمانی با سازمان تامین اجتماعی ممکن نمی‌شد. باید اضافه کنم که دستورالعمل جایگزینی افراد متقلب با «کارگران ساختمانی واقعی» به شیبات تامین اجتماعی سراسر کشور ابلاغ شده است.



هادی ساداتی عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و از مسئولان «سامانه رفاه ایرانیان» درباره آخرین وضعیت ثبت‌نام کارگران ساختمانی گفته است: «در طرح پایش بیمه کارگران ساختمانی متوجه شدیم که 195 هزار نفر از کارگران ساختمانی که از دوره‌های قبل بیمه‌پردازی می‌کردند، بنا به دلایلی نتوانستند حق بیمه‌های خود را به مدت طولانی بپردازند بیمه‌هایشان را مختومه اعلام کردیم.» او افزوده است: «ریبعی وزیر کار وعده بیمه کردن 700 هزار کارگر ساختمانی را در سال 95 داده بود. اما تا آخر سال تنها 300 هزار نفر از کارگران تحت پوشش بیمه قرار گرفتند. یعنی 400 هزار نفر بیمه نشده‌اند.»

محمد حسن‌زاد معاون بیمه سازمان تامین اجتماعی نیز در توجیه حذف بیمه کارگران ساختمانی گفته است: «بیمه 183 هزار و 676 نفر مختومه شده است. چرا که این افراد کارگرانی بودند که در گذشته تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی قرار داشتند اما به دلایل مختلفی مانند اتمام فعالیت در این حرفه بیمه‌شان مختومه شده است.»

نگذاریم حکومت آدم کش اسلامی، رامین حسین پناهی را اعدام کند!



کارشناسان حقوق بشری سازمان ملل متحد، با صدور بیانیه‌ای خواستار لغو حکم اعدام رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی محبوس در زندان مرکزی سنندج، شدند.

آگنس کالامار، گزارشگر ویژه اعدام‌های غیرقانونی، داینوس پورس، گزارشگر ویژه حق قابل قبول سلامت جسمی و روانی زندانیان و نیلز ملزر، گزارشگر ویژه شکنجه و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز سه تن از کارشناسان حقوق بشری سازمان ملل متحد، روز دوشنبه مورخ 28 خردادماه با انتشار بیانیه‌ای مشترک خواستار توقف فوری حکم اعدام رامین حسین پناهی، زندانی سیاسی محکوم به اعدام شدند.

بیش از 10 هزار کودک در جنگ‌ها کشته یا زخمی شده‌اند!

شمار کودکان کشته شده در جنگ‌ها در سراسر جهان رو به افزایش گذاشته است. به گزارش سازمان ملل متحد در سال گذشته میلادی 2017، بیش از 10 هزار کودک در جریان جنگ‌ها در سراسر جهان کشته یا زخمی شده‌اند.



این سازمان جهانی در گزارش خود به 21 هزار مورد نقض حقوق کودک در سراسر جهان اشاره کرده است. از جمله موارد تجاوز به حقوق کودکان که در سال گذشته میلادی به ثبت رسیده است، خشونت‌های جنسی، حمله به مدارس و بیمارستان‌ها یا اعزام کودکان به مناطق جنگی به عنوان کودک سرباز بوده است.

عفو بین‌الملل بار دیگر خواستار «پایان کارزار بی‌رحمانه» علیه خانواده سیدامامی شد!

پس از انتشار گزارش‌هایی از حضور ماموران امنیتی در خانه کاووس سیدامامی برای «ساخت یک فیلم» و بازجویی از همسرش، سازمان عفو بین‌الملل بار دیگر خواستار «پایان کارزار بی‌رحمانه» مقامات جمهوری اسلامی علیه این خانواده شد.

این سازمان حقوق بشری روز پنج‌شنبه هفتم تیرماه 1397، در بیانیه خود همچنین از مقامات حکومت اسلامی خواست که حکم ممنوع‌الخروجی مریم ممبینی، همسر کاووس سیدامامی، را «فورا لغو کرده و اجازه دهند که او به خانواده‌اش در کانادا بپیوندد.»

رامین سیدامامی، پسر کاووس سیدامامی، پیش از این خبر داده بود که ماموران امنیتی روز دوشنبه چهارم تیر، همزمان با بازی ایران با پرتغال، «شش جعبه بزرگ» را به زیرزمین خانه پدریش منتقل کرده و از مادرش «در مقابل دوربین» بازجویی کرده‌اند.

پس از آن محمود صادقی، نماینده مجلس، و آرش کیخسروی، وکیل خانواده سیدامامی، خبر دادند که «هجوم» ماموران امنیتی به منزل کاووس سیدامامی با هدف «ساخت فیلمی با عنوان هیوط» انجام شده است.

کیخسروی در همین حال در مصاحبه با رادیو فردا گفت که پس از اطلاع از این اتفاق به خانه مولکش مراجعه کرده و صدای گریه خانم ممبینی را شنیده، اما ماموران به او اجازه دیدن مولکش را ندادند.

به گفته کیخسروی، دقایقی بعد حال خانم ممبینی بد شده و اورژانس در خانه حضور یافته و او را به بیمارستان منتقل کرده است.

پس از مرگ کاووس سیدامامی، استاد دانشگاه و فعال محیط زیست، در زندان، صداوسیما جمهوری اسلامی در فیلمی مدعی شد سیدامامی و همکارانش با استفاده از دوربین‌های عکس‌برداری از یوزپلنگ، اقدام به تصویربرداری از سایت‌های موشکی سپاه کرده و اطلاعات این سایت‌ها را در اختیار سازمان‌های اطلاعاتی خارجی قرار داده‌اند.

اما عیسی کلاتنری، رییس سازمان حفاظت محیط زیست ایران، اما این اتهام را وارد ندانسته و توضیح داد که این دوربین‌ها تنها قادر به تصویربرداری از محیط محدودی در اطراف خود هستند.

همچنین به گفته پیام درفشان، وکیل خانواده سیدامامی، وسیله‌ای که در فیلم پخش شده از تلویزیون ایران ادعا شده «دستگاه جاسوسی» بود تنها یک «قلاب ماهیگیری» است.

دو هفته پس از بازداشت کاووس سیدامامی، در 21 بهمن‌ماه 1396 به خانواده وی اطلاع داده شد که او در زندان «خودکشی کرده» است.

این در حالی است که عفو بین‌الملل «جلوگیری از انجام تحقیقات مستقل» درباره مرگ «مشکوک» کاووس سیدامامی را نشانه «تلاش عامدانه و برنامه‌ریزی شده برای پنهان کردن هر گونه شواهدی از شکنجه و قتل» می‌داند.

در اسفندماه گذشته نیز زمانی که مریم ممبینی، همسر کاووس سیدامامی و دو پسرش قصد خروج از ایران به مقصد کانادا را داشتند در فرودگاه از خروج خانم ممبینی جلوگیری شد و او همچنان ممنوع‌الخروج است.

پس از دستگیری سیدامامی، بیش از 50 نفر از فعالان محیط زیستی در چند شهر بازداشت شدند که تاکنون تنها چند نفر از آن‌ها آزاد شده‌اند.

به راستی انسان خدا را آفرید یا خدا انسان را؟

شاهین محمدی

اگر بخواهیم به دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم واقع‌بینانه و به دور از هر گونه تعصب نگاه کنیم، به جز نفرت، خشم، ناتوانی، بی‌عدالتی و در نتیجه ناراضی مردم چیزی نمی‌بینیم. مردمی که ظاهراً با اعتقادات مذهبی و ارادت به اهل بیت و خدا و ادیان ابراهیمی همسو و همجهت هستند.

در سال 2015 در ایران، 385 هزار مرگ روی داده که 8/12 درصد آن یعنی رقمی بالغ بر 49 هزار مرگ، ناشی از مجموع بیماری سرطان بوده است. این آمارها نشان دهنده عدم تکامل و ضعف بدنی انسان‌ها و البته موجودات زنده است که خود گواهی است برای عدم وجود خالق تواناست، چرا که در صورت وجود چنین خالق توانایی، نیایستی این‌گونه در رفح چنین بیماری‌ها و مشکلاتی، ناتوان می‌بود.

آمارها می‌گویند بیش از 800 میلیون نفر در جهان از گرسنگی رنج می‌برند و در حدود 45 درصد مرگ و میر کودکان با سوءتغذیه در ارتباط است و البته با وجود خدایی که از همه مشکلات بشر آگاهی کامل دارد، این نادیده انگاری گرسنگان خود دلیلی بر خیرخواه نبودن اوست.

اخیراً یک گروه مطالعاتی در بریتانیا، گزارشی منتشر کرده است که بر اساس آن شمار کودکان کشته شده در جنگ داخلی سوریه به بیش از 11 هزار تن رسیده است. به نقل از گروه مطالعاتی آکسفورد، از هر ده کودکی که در بحران سوریه جان باخته است، هفت کودک بر اثر انفجار، بمباران یا موشک‌باران کشته شده است. در این گزارش، هم چنین آمده است که نزدیک به 400 کودک بر اثر شلیک مستقیم تک تیراندازها کشته شده‌اند و 800 کودک نیز در پی «عدم‌هایی» که در گوشه و کنار آن کشور انجام شده است. با توجه به این آمار، تنها برای جنگ داخلی سوریه و نه همه کودکان کشته شده در سراسر دنیاست، می‌توان گفت که احتمالاً خدای مورد نظر از این همه وقایع ناراحت‌کننده و اسفبار بی‌خبر است که در این صورت، او نمی‌تواند دانای مطلق باشد.

بیش‌تر جوامعی که این دروه، قربانی این‌گونه حوادث و بیماری‌های تلخ می‌شوند اغلب مذهبی بوده و خدای ادیان ابراهیمی را پرستش می‌کنند؛ در میان‌شان هم مسلمانان وجود دارند و هم مسیحیانی که ادعای ستایش خدای «عشق و محبت» را دارند؛ با توجه به همه این آشفتگی‌ها، سنگ‌دلی‌ها، بی‌عدالتی‌ها و بی‌چارگی‌ها، تنها بحث بر سر خداییست که وجود ندارد. چرا که تاکنون، هیچ‌کس ذره‌ای از عشق و مهربانی و عدالت و بخشندگی و توانایی این خدای موهوم را ندیده است.

چگونه یک خدای مهربان، عادل، بخشنده و توانا می‌تواند اجازه دهد که سالانه میلیون‌ها میلیون کودک بی‌گناه به علت گرسنگی، فقر، بیماری و جنگ کشته شود؟ و او تنها نظاره‌گر باشد؟ حتی اگر به قول مسیحیان «خدای واقعی عیسی مسیح باشد» و آن کودکان زیر پنج سال همگی فرزندان پدران و مادران گمراه مسلمان باشند، آیا باز هم مرگ آن کودکان درست و بی‌اشکال است و از نظر اخلاقی موجبات ناراحتی انسان‌ها را فراهم نمی‌کند و قلب هر انسان با وجدانی را نمی‌شکند؟

اگر بخواهیم مرگ و عذاب کودکان را به‌خاطر اشتباهات پدران و مادران و اجدادشان بدانیم و این موضوع را قبول داشته باشیم به اندازه همه کسانی که باعث کشتارشان شده‌اند مقصریم و بی‌وجدان! در اسلام نیز این خدای مورد نظر آن‌قدر عصبانی است که هر کسی که بر خلافتش سخن رانده را به راحتی

دستور قتل برایش صادر کرده است! آن‌قدر دیکتاتور است که جماعتی که سرشان به زندگی خودشان است را می‌خواهد به مسیر خود بکشاند و در صورت امتناع، حکم جهاد را صادر می‌کند و همگی آن‌ها را به صلابه می‌کشد و گردن‌شان را می‌زند! تنها به این خاطر که او را بستانند! این خدای عصبانی آن‌قدر خودخواه است که هر کسی را که بر خلاف او سخن راند، با حکم ارتداد، لایق مرگ دانسته، به طوری که به خاطر تنها پیشنی متفاوت، او را به دار مجازات می‌آویزد. چرا که باید تنها او را بی‌ریاستند و تنها از او یاری جویند و لاغیر!

در تمامی ادیان ابراهیمی، چنین مواردی بوده و هست و خواهد بود. چرا که این خدای تخیلی، که خود با آوردن ادیان و پیامبران متفاوت، ایجاد جنگ و تضاد کرده می‌توانست تمامی این مشکلات را با خلق نکردن شر و خیر و در نتیجه عدم نیاز به پیامبران متفاوت، طور دیگری مطرح کند.

چنین خدایی، بی‌تردید و قطعاً زاینده ذهن خیال‌پرداز انسان‌های عهد اولیه است که توسط دروغ‌پردازی و خیالی‌بافی حاکمان و متوهم در حیطه دین قرار گرفته و البته توسط انسان‌های سودجو و سیستم سرمایه‌داری از انقراض آن، تاکنون جلوگیری شده است!

امید است ما انسان‌های آگاه و مدرن امروزی، نه از ترس این خدای ساختگی، بلکه برای انسانیت و شرافت دست از جنگ و جرم و جنایت برداریم و خوب است بدانیم که ما انسان‌ها، هرگز برای نیک بودن و نیک زندگی کردن به خدای ساختگی و ادیان نیاز نداریم!



کارل مارکس و بهره‌برداری از طبیعت

«به‌گفته مارکس «باقی‌مانده‌های حاصل از تبادلات فیزیولوژی طبیعی انسان» باید همچون زباله‌های چرخه تولید صنعتی و مصرفی دوباره در چرخه تولید در یک دور متابولیسی کامل به‌کار گرفته شود.» (5) آنتاگونیسم (تضاد) بین شهر و روستا و همچنین گسست متابولیک ناشی از آن نیز در سطح جهان مشهود است: کشورها و بخش‌های استعمارشده زیادی. سرعت اراضی و سرزمین‌هایشان برای حمایت از صنعتی کردن کشورهای استعمارگر هستند.

مارکس می‌نویسد، «از یک قرن و نیم پیش، انگلستان غیرمستقیم خاک ایرلند را مصادره کرده است بدون آن‌که به کسانی که بر روی آن کشاورزی می‌کنند امکان غنی‌سازی مجدد آن را بدهد.» (6)

ملاحظات مارکس در مورد کشاورزی سرمایه‌داری و نیاز به باز گرداندن مواد مغذی (از جمله زباله‌های ارگانیک شهرها) او را به یک تفکر کلی‌تر اکولوژی (محیط زیستی) پایدار می‌رساند. تفکری که به باور او تداوم عملی بسیار محدودی در یک جامعه سرمایه‌داری، که ذاتاً قادر به انجام چنین روندی منطقی و منسجم نیست، خواهد داشت. ولی بر عکس این تفکر تولید جامعه آینده متشکل از تعاونی‌های تولیدکنندگان، اساسی خواهد بود. «در واقع (در چارچوب سرمایه‌داری) برای تولید محصولات متنوع از زمین، وابستگی به نوسانات قیمت بازار منجر به تغییر دائمی این محصولات می‌شود. از این‌رو بنیاد فکری تولید سرمایه‌داری که بر روی سود هر چه فوری‌تر متمرکز است، با روح کشاورزی که باید تولید اش را با توجه به تمام شرایط دائمی موجودیت نسل‌های متوالی انسان‌ها هم‌ساز کن، در تضاد است.»

در تاکید بر نیاز به حفظ زمین برای «نسل‌های آینده» مارکس بر تفکر توسعه پایدار تاکید دارد، که معروف‌ترین تعریف آن در گزارش برونتلان داده شده: «توسعه‌ای مطابق با نیاز روز بدون به خطر انداختن

توانایی نسل‌های آینده در بر آورده کردن نیازهایشان.» (7) برای مارکس لازم است که زمین «آگاهانه و عقلانی به‌عنوان اموال عمومی جامعه مورد توجه قرار گیرد، شرطی لاینفک از حیات و باز تولید نسل‌های متوالی.» از این‌رو در قسمتی مشهور از کتاب سرمایه، چنین می‌نویسد: «از نظر بالاترین سازمان اقتصادی جامعه، حق مالکیت فردی بر بخشی از کره زمین همان اندازه پوچ و بی‌معنی است که حق مالکیت یک فرد روی نسل‌های آینده.»

اغلب به مارکس انتقاد می‌کنند که نقش طبیعت در تولید ارزش را نادیده می‌گیرد: که گویا این تفکر را بسط داده، که همه ارزش‌ها از کار ایجاد می‌شود و طبیعت فقط «هدیه‌ای» به سرمایه است. ولی این انتقاد بر پایه یک سوءتفاهم بنا شده است. مارکس مبتکر این ایده که زمین «هدیه» به سرمایه است نمی‌باشد. مبتکر آن توماس مالتوز و داوید ریکاردو هستند که یکی از تئوری‌های اساسی در آثار این دو اقتصاددان است. مارکس به تضاد اجتماعی- اکولوژیکی ذاتی چنین مقوله‌ای آگاه بود و در دست نوشته‌های اقتصادی‌اش در سال‌های 1861 تا 1863، مالتوس را مورد انتقاد قرار می‌دهد که به دام تفکر «فیزیوکرات»ها افتاده که معتقدند محیط زیست «هدیه طبیعت به انسان است». بدون در نظر گرفتن این‌که چگونه این هدیه در رابطه با مجموعه روابط اجتماعی بنا شده بر پایه سرمایه‌داری قرار می‌گیرد.

البته مارکس با لیبرال‌ها در این مورد که قانون ارزش سرمایه‌داری هیچ ارزشی برای طبیعت نمی‌شناسد موافق است. در مورد همه کالاها، ارزش گندم از کار مورد نیاز برای تولید آن تعیین می‌شود. ولی برای مارکس این مسئله دقیقاً نشان‌دهنده ضعف و محدودیت ذاتی بازار سرمایه‌داری است، که بر پایه ارزش مبادله بنا شده.

ثروت واقعی در ارزش مصرف است که مشخصه تولید به‌طور کلی، فراتر از شکل سرمایه‌داری آن است. در نتیجه، طبیعت که در تولید ارزش مصرف سهیم است، به همان اندازه کار منبع ثروت است. مارکس در نقد برنامه گوتا، سوسیالیست‌ها را سرزنش می‌کند که نقش طبیعت را در نظر نمی‌گیرند و کار را به‌عنوان تنها منبع ثروت یک «قدرت خلاق فوق طبیعت» باز می‌شناسند.



(1) Anthony Giddens, A Contemporary Critique of Historical Materialism, University of California Press, Berkeley, 1981.

(2) Michael Redclift, Development and the Environmental Crisis: Red or Green Alternatives?, Methuen, Londres, 1984.

(3) Alec Nove, « Socialism », dans John Eatwell, Murray Milgate et Peter Newman (sous la dir. de), The New Palgrave: A Dictionary of Economics, vol. , Stockton, New York, 1987.

(4) کارل مارکس سرمایه کتاب اول، ادیسیون سوسیال، پاریس ۱۹۷۸

(5) کارل مارکس سرمایه کتاب سوم ادیسیون سوسیال، پاریس ۱۹۷۸

(6) کارل مارکس سرمایه کتاب اول، ادیسیون سوسیال، پاریس ۱۹۷۸

(7) «آینده مشترک ما» گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد تحت رهبری گرو هارلم برونتلند نخست وزیر نروژ.

برگرفته از لوموند دیپلماتیک، ژوئن 2018

بیانیه پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران:

از اعتصاب ها و اعتراض های جدید ...

صادق آملی لاریجانی رییس دستگاه قضایی حکومت اسلامی ایران، سه شنبه 26 ژوئن، کسانی را که «اخلالگر اقتصادی» نامید، را به اعدام محکوم کرد. به گزارش خبرگزاری های ایران، آملی لاریجانی در همایش سراسری قوه قضاییه گفت: «دشمن تلاش می کند با جنگ روانی باعث بر کم روختن اقتصاد کشورمان شود و می خواهد وضع کشور را بهم بریزد. شما تلاطمات این چند روز را در بازار خودرو و مسکن و ارز دیدید.»

او با اشاره به اعتراض هایی که در بازار تهران در جریان است افزود: «روز گذشته و روزهای قبلتر دیدید که عده ای قصد آشوب داشتند و می خواستند بازار تهران را به تعطیلی بکشاند که با تلاش نیروی انتظامی این امر محقق نشد. هر چند افزایش نقدینگی بی تاثیر نبوده، اما عده ای با سرمایه های کلان شان قصد بر هم زدن ثبات اقتصادی را دارند.»

او مدعی شد: «این افراد با ریختن پول شان در بازار و جمع کردن دلار و سکه می خواهند بازار را منتهب کنند و نیروهای اطلاعاتی باید تلاش کنند این افراد را شناسایی کنند. این اقدامات خیانت به مردم و نظام است و ما به هیچ عنوان کوتاه نمی آیم و با این افراد برخورد می کنیم و هشدار می دهیم که این کار به عنوان اخلاق در نظام اقتصادی کشور مجازات سنگینی دارد و اگر مصداق فساد فی الارض باشد طبق قانون اعدام برایشان در نظر می گیریم و هیچ کوتاهی هم در این زمینه نخواهیم داشت.»

روز سه شنبه 5 تیرماه، عباس جعفری دولت آبادی، دادستان تهران، از «بیزادداشت تعداد زیادی» از معترضان خبر داد و به معترضان هشدار داده بود. خبرگزاری حکومتی فارس، روز سه شنبه 5 تیرماه، نوشت «در حالی که قرار بود بازار تهران امروز باز شود و روسای اتحادیه های اصناف قول باز شدن مغازه ها را داده بودند، اما بر اساس مشاهدات خبرنگار فارس، بخش هایی از بازار تهران امروز تعطیل است.» این گزارش می افزاید که «در حال حاضر در خیابان پانزده خرداد تهران عده ای تجمع کرده و مشغول سر دادن شعار هستند.» این خبرگزاری این شعارها را موجب «رعب و وحشت» توصیف کرده است.

در همین راستا، حسین شریعتمداری، نماینده رهبر حکومت اسلامی در روزنامه کیهان، در سرمقاله روز سه شنبه 5 تیرماه این روزنامه، تلویحا پیشنهاد کرد که نیروهای لباس شخصی برای جلوگیری از تجمع در بازار در میان مردم حضور داشته باشند.

او با اشاره به حضور «نامحسوس» نیروهای سپاه پاسداران در روستاهای کردستان در دهه 60 نوشت که این موضوع می تواند به جلوگیری از تجمع کمک کند. در همین حال فیلم هایی از تجمع در محله جوادیه تهران در شبگاه دوشنبه منتشر شده که حاضران شعار «مرگ بر دیکتاتور» سر می دهند.

در همین حال روزنامه جمهوری اسلامی جمعاعات روز دوشنبه را «توطئه علیه دولت» دانست و هشدار داد که «توطئه علیه دولت در همین مرحله نمی ماند.» این روزنامه نوشت: «کسانی تصور نکنند این دولت می رود و خودشان دولتی تشکیل خواهند داد و بر اینکه قدرت خواهند ماند. راه حفاظت از منافع مردم، کشور و نظام، حفاظت از دولت مستقر است.»

اشاره این روزنامه می تواند به سخنان برخی از نزدیکان رهبر جمهوری اسلامی باشد که از برکناری دولت حسن روحانی سخن گفته اند.

در همین حال برخی از نمایندگان عضو جبهه پایداری در مجلس از ارائه طرح «عدم کفایت سیاسی رییس جمهور» سخن گفتند.

در واکنش به این سخنان محمد باقر نوبخت، سخن گوی دولت، روز سه شنبه گفت: «این که عده ای اصرار دارند دولت را ناکارآمد نشان دهند به دوره اخیر محدود نمی شود و در دوره قبلی هم همه تلاش آنان بر همین بود اما مردم در انتخابات نه دیدگاه جناح مقابل دولت، بلکه دیدگاه خود دولت را تایید کردند.»

محمدباقر نوبخت سخن گوی دولت حسن روحانی گفته است با این که ایران درآمدهای ارزی به قدر کافی دارد، اما نمی تواند پاسخ گوی «اشتیاق مردم» به خرید ارز باشد. او افزود که ایران حدود 53 - 52 میلیارد دلار از منابع فروش نفت و حدود 45 میلیارد دلار از صادرات غیرنفتی درآمد دارد.

به اقرار سخن گوی دولت: «ما از بخش صادرات نفتی و غیرنفتی در مجموع حدود 95 میلیارد دلار درآمدها یا دریافت های ارزی داریم، در حالی که مصارف ما که عمدتا در بخش واردات است از 75 تا 76 میلیارد دلار بیش تر نیست.»

سخن گوی دولت درباره کمبود ارز در بازار گفت با این که منابع ارزی ایران از مصارف بیش تر است، «اما مشکلی که وجود دارد و در 6 تا 7 هفته گذشته شدت گرفت، یک اشتیاق و گرایش برای تبدیل موجودی ریال به ارز بوده است.»

البته سخن گوی دولت نگفته است که این همه درآمدهای کشور و مازاد ارزی کجا رفته است که در سال جاری، همواره قیمت ارز در بازار بالا می رود و اکنون یک دلار آمریکا در بازار ارز به ارزش 9 هزار تومان معامله می گردد و پول ملی ایران روز به روز بی ارزش تر می گردد؟

چرا دستمزد صدها هزار کارگر به موقع پرداخت نمی گردد؟ چرا حدود 15 میلیون بیکار در ایران وجود دارد؟ چرا فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی در ایران بیداد می کند؟

مردم آگاه می دانند که بخشی از ثروت های جامعه ایران، به جیب سران و مقامات و نزدیکان آن ها سرازیر می گردد و به همین دلیل، فساد اقتصادی و سیاسی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، از بیت رهبری گرفته تا پایین ترین رده های حاکمیت، نهادینه شده است.

بخش دیگر از ثروت های جامعه ایران، صرف میلیتاریسم به ویژه دستیابی به سلاح های مخرب شیمیایی و اتمی و موشک و غیره می گردد. بخش دیگری از این ثروت ها، توسط سپاه قدس برای جنگ داخلی سوریه و یمن و لبنان و سازمان دهی گروه های تروریستی در عراق، افغانستان و غیره اختصاص داده شده است.

اکنون بر اساس پیش بینی برخی اقتصاددانان، قیمت دلار به احتمال بسیار به بالای 10 هزار تومان خواهد رسید. در صورت تشدید تحریم های آمریکا علیه ایران، قیمت ارز دچار نوسانات بیش تری نیز خواهد شد.

بسیاری از کارشناسان فراتر از عوامل فوق، سرکوب و اختناق در داخل کشور و بحران در مناسبات بین المللی ایران را یک عامل عمده در تنش ها در بازار اقتصادی ایران، از جمله بازار ارز می دانند. به ویژه خروج آمریکا از برجام و اثرات روانی تحریم هایی که در راه هستند، بخش های بزرگی از جامعه ایران را نسبت به چشم اندازهای اقتصادی نگران کرده و نقدینگی آن ها را به سوی بازار ارز و سکه سوق داده است. خروج فزاینده سرمایه از کشور نیز از دیگر پیامدهای این نگرانی است.

هم زمان با ادامه اعتصاب در بخش هایی از بازار تهران در روز سه شنبه 5 تیرماه، مجلس شورای اسلامی در یک جلسه پشت درهای بسته و غیر علنی «نابسامتی های» اقتصاد ایران را بررسی کرد و برخی از نمایندگان شرایط کشور را «جنگ اقتصادی» آمریکا علیه ایران توصیف کردند.

فاطمه ذوالقدر، نماینده تهران در مجلس، در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا خبر داد که مجلس در جلسه غیر علنی صبح روز سه شنبه «نابسامتی های اقتصادی» را بررسی کرد.

از جمله نادر قاضی پور، نماینده ارومیه، روز سه شنبه در تشریح در جلسه علنی مجلس گفت که «جنگ اقتصادی خطرناک تر و پریچ و وخیم تر از جنگ نظامی است»، افزود: «باید کسانی که اقتصاد ما را به این روز انداخته اند اعدام شوند.»

ولی الله سیف، رییس بانک مرکزی ایران، از ایجاد «بازار ثانویه ارز» خبر داده و گفته است که بر اساس این طرح، قیمت ارز سامنرخی می شود و برای «کالاهای غیر ضروری» ارز در توافقی بین صادرکنندگان و واردکنندگان خرید و فروش خواهد شد.

به گفته سیف، واردات «کالاهای ضروری»، از جمله دارو، مانند گذشته با دلار 4200 تومانی انجام خواهد شد.

خبرگزاری ایسنا برآورد کرده است که نرخ ارز سوم می تواند بین 6000 تا 6500 تومان باشد. با این حال بر اساس گزارش ها، در حال حاضر نرخ های جدید قیمت ارز در بازار مشخص نیست و خرید و فروش انجام نمی شود.

آن جنبش عظیمی که از دی ماه سال گذشته آغاز شد اکنون وارد مرحله تازه ای شده است. بازاریان به خاطر سقوط بی سابقه ارزش ریال، بی ثباتی بازار ارز و کسادی و خوابیدن کسب و کارشان و همچنین بی اعتمادی به حاکمیت، دست به اعتراض و اعتصاب روی آورده اند و توده مردم نیز مانند همیشه علیه فقر و گرانی و بیکاری و بی حقوقی به خیابان ها ریخته اند.

مردم با شعارهایی نظیر نان مسکن آزادی، اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، دشمن ما همین جاست دروغ میگویند آمریکاست، و...، یکبار دیگر قدرت عظیم خود بر علیه حکومت اسلامی را به نمایش گذاشتند و زنگ خطر سرنگونی را برای حکومت جهل و جنایت، فقر و فلاکت، تبعیض و استثمار را به صدا درآورده اند.

با گسترش اعتراضات به نظر می رسد که قوه قضاییه همچنان به سرکوب می اندیشد. در اعتراضات سراسری دی ماه سال گذشته نیز دستکم 25 نفر کشته و بیش از چهار هزار نفر بازداشت شدند.

حکومت اسلامی ایران، علاوه بر حکومت سرکوب و اعدام، فقر و فلاکت، در عین حال حکومت منجاول به جان و مال و ناموس مردم است. در لایای اخبار و گزارشات روزنامه های ایران، همواره می خوانیم که به کودکان تجاوز می شود. اکنون نیز انتشار خبر تجاوز به «41 زن و دختر» در ایرانشهر که نخستین بار از سوی مولوی طیب زهی، امام جمعه اهل سنت این شهر، اعلام شد طی یک هفته گذشته اعتراض هایی در سطح استان سیستان و بلوچستان و همچنین در تهران برانگیخته، و از جمله شماری از اهالی ایرانشهر به تجمع در برابر فرمانداری این شهرستان، خواستار مجازات عاملان تجاوز شدند.

ولی عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور دولت اسلامی ایران، روز سوم تیرماه با غیرواقعی نامیدن آمار 41 مورد تجاوز در ایرانشهر گفت: «آنچه به صورت رسمی تا این لحظه گزارش شده و شکایت رسمی کرده اند، چهار مورد بوده است.» اخیر برخی از نمایندگان مجلس، حتی خواستار آن شده اند که انتشار اخبار تجاوز به کودکان ممنوع گردد و عاملان آن مجرم شناخته شوند و از کار برکنار گردند.

اکنون زمان آن رسیده است که اعتراض و اعتصاب کارگران، زنان، دانشجویان، روشنفکران، بیکاران، کسبه بازار و خلق های تحت ستم سراسر ایران در یک صف واحد و متحد و آگاهانه جنبش سرنگونی طلبی قرار گیرند و به گرایشات سرمایه داری از ناسیونالیسم گرفته تا شوونیسم میدان ندهند و با شعار زنده باد همبستگی انسان ها، زنده باد شوراها و مجالس مردمی، کارخانه ها، ادارت، دانشگاه ها، مدارس، خیابان ها و کوچه ها را تسخیر کنند؛ مجامع و مجالس عمومی خود را برگزار کنند تا با برکناری این حاکمیت جانی، سرتوشت خود و جامعه شان را به دست خویش رقم بزنند!

بیانیه پلاتفرم دموکراتیک جنبش ها و خلق های ایران ششم تیر 1397 - بیست و هفتم ژوئن 2018



بیانیه پلتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران:

از اعتصاب‌ها و اعتراض‌های جدید مردمی علیه

حکومت اسلامی حمایت کنیم!

در روزهای اخیر، اعتراض و اعتصاب مردم جان به لب رسیده از بیکاران گرفته تا کسبه بازار، وارد مرحله جدیدی شده است. کسبه بازار تهران صبح روز دوشنبه 4 تیر ماه، در اعتراض به گرانی‌های اخیر مغازه‌های خود را بستند و شماری از معترضان در میدان بهارستان و اطراف مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند؛ گزارش شده که ماموران امنیتی با حمله به تظاهرکنندگان اقدام به شلیک گاز اشک‌آور کرده‌اند. گزارش‌هایی نیز از شنیده شدن صدای تیر منتشر شده است. سران و مقامات و ارگان‌های سرکوب حکومت اسلامی، همچون گذشته بر سیاست سرکوب و اعدام مخالفین و معترضین اصرار می‌ورزند. در حالی که سنگینی بحران‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی حکومت اسلامی ایران، بر دوش کارگران، زنان، بیکاران، محرومان و خلق‌های تحت ستم ایران است. گرانی و تورم و بیکاری کمرشکن و غیرقابل تحمل شده است. اعدام‌ها پایانی ندارد.

اکنون بازار تهران و شهرستان‌ها که به‌طور سنتی پایگاه حاکمیت به‌ویژه روحانیت بوده اند علیه حکومت اسلامی به پا خواسته‌اند. کسبه بازار تهران و شهرستان‌ها در اعتراض به رکود اقتصادی، گرانی نرخ ارز و کمبود مشتری با بستن مغازه‌های خود مواجه شده‌اند، دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند.

اعتصاب بازاریان به غیر از بازار تهران، به برخی دیگر از بورس‌های کالا مانند بازار امین‌حضور که بورس لوازم خانگی و پاساژ علاءالدین که بورس گوشی همراه است، کشیده شده است.

روز یکشنبه 3 تیرماه، بازاریان در مجتمع علاءالدین و بازار چارسو در اعتراض به افزایش قیمت دلار تجمعی اعتراضی برگزار کرده بودند. در ادامه این اعتراضات، روز دوشنبه 4 تیر، بازار بزرگ تهران تعطیل شد و بازاریان در تجمعی بزرگ و پرشمار با سر دادن شعار «ببندید، ببندید، ما همه با هم هستیم» اعتراض خود را به بی‌ثباتی دلار و سقوط ارزش ریال بیان کردند.

بنابر گزارش‌ها از ساعت 10 صبح مغازه‌داران مغازه‌هایشان را در بازار بزرگ تهران و در پاساژها بستند و به صف معترضان پیوستند. در طی کمتر از یک ساعت، سراسر بازار تهران، بازار طلافروش‌ها، پانچار چهارسوق سلطانی و راسته کفاشان به اعتصاب‌کنندگان پیوسته و مغازه‌های خود را تعطیل کردند.

بازاریان در محوطه بازار راه‌پیمایی کردند و با سر دادن شعارهایی از سایر بازاریان خواستند که مغازه‌های خود را ببندند و به اعتصاب‌کنندگان بپیوندند.

بر اساس گزارش‌ها از تهران، ماموران امنیتی با گروهی از بازاریان معترض به افزایش بهای ارزهای خارجی، قیمت کالا و کمبود مشتری درگیر شدند.

محسن همدانی‌نسج، معاون امنیتی و

انتظامی استاندار تهران درباره آخرین وضعیت بازار تهران گفته است: «در حال کنترل اوضاع هستیم. همچنین مقرر شد؛ نیروی انتظامی همچنان در محدوده بازار تهران حضور داشته باشد.»

به گزارش رسانه‌های ایران از بازار تهران، حاکی از این است که به سوی معترضان گاز اشک‌آور پرتاب شده و تعدادی از معترضان نیز مورد ضرب و جرح قرار گرفته‌اند.

یکی از شاهدان عینی که در حال فیلم برداری بوده به بی‌بی‌سی گفت: «به همراه خواهرم مشغول فیلم گرفتن بودم که به من حمله کردند و خواستند گوشی من را بگیرند و اجازه ندادند و به همین دلیل با بطوم مرا زدند.»

به غیر از تهران در شهریار، کرج، قشم، اراک، شیراز، تبریز، مشهد، کرمانشاه، خوی، بلوچستان، آبادان، بندرعباس و مشهد نیز معترضان به گرانی به خیابان آمده و مغازه‌داران اعتصاب کردند.

تجمعات اعتراضی روز سه‌شنبه 5 تیر ماه نیز ادامه یافت و بنابر برخی گزارش‌ها، این اعتراضات به بازارهای چند شهر دیگر ایران نیز «گسترش یافته است.» شعارهای برخی از معترضان از مطالبات اقتصادی فراتر رفته و به مسائل سیاسی رسید.

شایان ذکر است که برخی رسانه‌های داخلی و خارجی، سعی می‌کنند این اعتراضات مردمی را به اعتراض بازاریان محدود کنند در حالی که در این خیزش بسیاری از جوانان بیکار و افشار مختلف جامعه حضور فعالی دارند.

در چنین شرایطی، سران و مقامات حکومت اسلامی از یکسو اعتصاب و اعتراض کنندگان را تهدید می‌کنند و از سوی دیگر، شکاف بین خودشان نیز عمیق‌تر شده است.

فاضلی رییس اتاق اصناف ایران گفته است: «اصناف حواس‌شان باشد که در این وضعیت برخی عناصر غیر که دل در گرو دیگران دارند به صفوف متحد بازار که ولایت‌مدار هستند نفوذ نکنند تا به نام آن‌ها کار خلافی انجام نشود.»

هادی قوامی نایب رییس کمیسیون برنامه و بودجه در مورد اقدامات دولت و مجلس برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها گفته است: «در حال حاضر در شرایط جنگ هستیم، وقتی ترامپ اعلام می‌کند که نسبت به ایران تحریم‌های سختی را اعمال می‌کنم قطعاً این مسئله سرمایه‌گذاری خارجی در داخل کشور را سخت می‌کند و سرمایه‌گذاران داخلی تحت فشار قرار می‌گیرند و همین مسئله باعث بی‌رونی تولید و به هم ریختگی شرایط اقتصادی کشور می‌شود.»

ازدای سخن‌گوی قوه قضاییه گفته است: «ما با هیچ فردی با عنوان کارگر و معلم برخورد نمی‌کنیم بلکه کسانی که معلم و کارگر باشند از تخفیفاتی نیز برخوردار هستند.»

در حالی در همه زندان‌های سراسر کشور، از جمله فعالین معلمان و کارگران زندانی هستند و زیر شدیدترین شکنجه‌های روانی و جسمی به سر می‌برند.

یحیی رحیم صفوی، دستیار و مشاور عالی خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی، در جریان یک سخنرانی که عمدتاً به «قدرت و نفوذ» ایران در منطقه و نقش سپاه پاسداران در آن اختصاص داشته، گفته است: «گاهی به‌نظر می‌رسد که اگر دولت نباشد، کشور بهتر اداره خواهد شد.»

مشاور عالی علی خامنه‌ای در سخنرانی خود در روز یکشنبه 3 تیر- 24 ژوئن خود، ابتدا در پاسخ به پرسشی در رابطه با تهدید عربستان به حمله به ایران، ادعا کرد: «ایران یک قدرت بزرگ است و اگر بخواهند دست از پا خطا

کنند، در همان روز نخست 1000 موشک به سمت آنان و قصرهایشان در شهر ریاض شلیک خواهد شد که البته بعید می‌دانم که آنان چنین حماقتی کنند.»

رحیم صفوی، سپس حکومت اسلامی را «قدرت نخست منطقه» خوانده که به گفته او، قدرت‌اش «به سواحل مدیترانه رسیده و بدون حضورش» هیچ موضوعی حل نخواهد شد. او همچنین با اشاره به «نفوذ» افکار بنیان‌گذار و نیز رهبر جمهوری اسلامی در «اقصى نقاط جهان»، از وجود 80 «هزار موشک» در دست حزب‌الله لبنان به عنوان «تهدیدی دائمی» علیه اسرائیل نام برده



است. این فرمانده سابق سپاه در ادامه به «وضعیت داخلی کشور و مشکلات موجود» پرداخته و با اشاره به این‌که «ما در دولت‌سازی مشکل داریم»، افزوده است: «گاهی به‌نظر می‌رسد که اگر دولت نباشد، کشور بهتر اداره خواهد شد.» به‌گفته پاسدار رحیم صفوی، «مردم به ادارات و سازمان‌ها و شهرداری‌ها مراجعه می‌کنند و مشکلاتشان برطرف نمی‌شود و همین مسائل ایجاد نارضایتی کرده و ضدانقلاب نیز بلافاصله سوءاستفاده می‌کند و مردم را ناراضی جلوه می‌دهد که بخشی از این نارضایتی‌ها به دلیل ناکارآمدی مسئولان است.»

ادامه در ص 7